



سیاست و ورزش از هم جدا هستند؟

کن بنسینگر

مترجم: نوید صراف

در ذهن مردم دنیا با شنیدن نام «روسیه» دو چیز به صورت خودکار تداعی می‌شود؛ اول سرمای شدید و دوم آنچه از شوروی سابق به جای مانده! اما روس‌ها سال‌هاست که در پی تغییر و یا به بیانی بهتر به دنبال تثبیت نام‌شان در جهات بسیار مثبت در جهان هستند؛ از قدرت نظامی و سیاسی گرفته تا عرصه ورزش.

شوروی و ورزش همگانی

نقش ورزش در سال ۱۹۳۰ در زندگی مردم جهان، از یک سرگرمی و تفریح پا فراتر نمی‌گذاشت اما در همان موقع، دید و نگارش تزارها به ورزش چیز دیگری بود. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، که در پی تثبیت نامش به عنوان ابر قدرت جهان بود، راه پیشرفت را در کار مداوم می‌دید که این طرز فکر در شعار «کار، فراگیری، تمرین» نمود پیدا کرد. یکی از الزامات تحقق این شعار، آمادگی جسمانی بود که به همین منظور در ۱۱ مارس ۱۹۳۱، در تمام مراکز آموزشی، باشگاه‌های ورزشی و حتی کارخانه‌ها، برنامه‌ای ویژه و اجباری تحت عنوان «آماده برای کار و دفاع» کلید خورد. به این صورت ورزش برای اولین بار در جهان، عمومی‌سازی شد.

بر اساس سیاست‌های دولت، ورزش همگانی هر روز صبح با همراهی رادیو ملی و رژه‌های زیبا برگزار می‌شد. به مرور ساخت فیلم‌های سینمایی با محوریت ورزش و بازی ورزشکاران رنگ و لعاب غلیظ‌تری به خود گرفت و پس از چند سال، «درس ورزش» با همین عنوان (آماده برای کار

و دفاع) برای گروه‌های سنی پا به برنامه هفتگی روس‌ها گذاشت. گروه اول برای بچه‌های ده و یازده ساله، گروه ارشد برای بزرگسالان زیر ۶۰ سال. به منظور ایجاد انگیزه نیز برای اعضای که بیشتری دستاورد را کسب می‌کردند، مدال‌های طلا و نقره در نظر گرفته شد. جالب اینکه تا سال ۱۹۷۶، بیش از ۲۲۰ میلیون نفر از شهروندان شوروی، نام خود را در لیست صاحبان این مدال‌ها ثبت کردند و از همین‌جا بود که عطش روس‌ها برای کسب مدال در صحنه‌های بین‌المللی ورزش، به امری سیری ناپذیر تبدیل شد.

اقتدار در ورزش، عرض اندام در جنگ سرد

پس از برنامه‌ریزی‌های دقیق جماهیر شوروی، نوبت به برداشت محصول رسید؛ بازی‌های المپیک محل سنجش قرار گرفت و تعداد مدال‌های کسب شده توسط روس‌ها جهان را در بهت و حیرت فروبرد. از سال ۱۹۵۲ تا ۱۹۸۸، شوروی در صدر جدول کسب مدال در تمامی دوره‌های بازی‌های تابستانی المپیک قرار گرفت. روس‌ها در ژیمناستیک، شنا، کشتی، والیبال، وزنه‌برداری، دوومیدانی و سایر رشته‌های ورزشی خود را به عنوان قدرت پلامنازع دنیا به همگان معرفی کردند. اقتداری که طنین آن سراسر جهان را فرا گرفت و در آن سوی دنیا به گوش آمریکایی‌ها رسید. آمریکایی‌هایی که در جنگ سرد علیه شوروی قرار داشتند و یکی از راه‌های گردن‌کشی را در بازی‌های المپیک می‌دیدند. به همین دلیل به بایکوت این مسابقات دست زدند چرا که بعد از بررسی‌های دقیق به این نتیجه رسیدند که در حضور ورزشکاران روس، دیگر فرصت عرض اندام پیدا نخواهند کرد و با زانو زدن ورزشکاران‌شان در تقابل با روس‌ها، به اعتبار و قدرت رقیب‌شان خواهند افزود.

سقوط مقدمه‌ای برای صعود مجدد

شاید زمانی که در سال ۱۹۹۱، با کناره‌گیری «میخائیل گورباچف» انحلال اتحاد جماهیر شوروی نهایی شد، کسی فکرش را نمی‌کرد که روس‌ها نتوانند همانند سابق در المپیک افتخارآفرینی کنند اما برخلاف تمام پیش‌بینی‌ها ورق برگشت تا المپیک ۱۹۹۲ به صحنه اوج‌گیری آمریکایی‌ها تبدیل شود. فراموش نکنید که روس‌ها به دلیل مشکلات متعددی که بعد از فروپاشی شوروی -از جمله مشکلات اقتصادی و جنگ با مبارزان چچنی- درگیرش بودند، به حدی دغدغه داشتند که توجه به ورزش در زندگی‌شان دیگر جایگاهی ویژه نداشت. با این وجود، با گذر زمان و افزایش قدرت اقتصادی تزارها، مسئولان «کرملین» به این فکر افتادند که توسعه ورزش می‌تواند به بهبود وجه بین‌المللی سرزمین سرد شمالی کمک قابل توجهی کند؛ درست همانند سناریویی که در گذشته برای‌شان روزهای خوشی را رقم زده بود. به همین دلیل سرمایه‌گذاری در ورزش به یکی از سیاست‌های کلان روسیه تبدیل شد.

ایجاد صندوق حمایت از ورزشکاران را می‌توان از جمله تدابیر برای حمایت از ورزش شمرد؛ صندوقی که بازرگانان و سرمایه‌داران بزرگ روسیه اکثر اعضای آن را تشکیل می‌دهند. از محل این صندوق به ورزشکارانی که عنوان جهانی یا المپیک به دست می‌آورند، پاداش‌های نقد قابل توجهی پرداخت می‌شود. فعالیت مراکز و باشگاه‌های ورزشی جدید و آموزشگاه‌ها در شهرهای مختلف روسیه نیز از دیگر گام‌های دولت روسیه برای حمایت و توسعه ورزش است. بد نیست بدانید دولت روسیه به منظور حمایت همه جانبه از ورزش در رسانه‌های خبری، دستور تخصیص چند

شبکه تلویزیونی برای پوشش برنامه‌های ورزشی را صادر کرد که این دستور بلافاصله اجرایی شد.

یک تیر، دو نشان و تیری که به سنگ خورد!

با تصویب طرح «توسعه تربیت بدنی و ورزش» دولت روسیه پا به یک مرحله مهم و کلیدی گذاشت؛ طرح «تربیت بدنی و ورزش» با توجه به تأثیر جدی‌اش بر کیفیت زندگی مردم، به عنوان یکی از اولویت‌های سیاست‌های اجتماعی و بلندمدت دولت به سرعت به اجرا رسید. این برنامه شامل چهار زیرشاخه در جهت توسعه ورزش دسته جمعی، دستاوردهای بالای ورزشی، آمادگی برای جام جهانی فوتبال و مدیریت صنعت ورزشی است. دروس ورزشی با سبک نوین باز هم در برنامه مدارس قرار گرفت و شرکت‌های دولتی و خصوصی ملزم به سرمایه‌گذاری در این بخش شدند.

یکی از شرکت‌هایی که به دستور مقامات بلند پایه روسیه وارد سرمایه‌گذاری در ورزش شد، شرکت گاز پرم بود. این شرکت که با مشکلات زیادی برای توسعه در اروپا دست‌وپنجه نرم می‌کرد، با سرمایه‌گذاری کلان در باشگاه «زنیت سنت‌پترزبورگ» نام خود را بیش از پیش در عرصه‌های بین‌المللی مطرح نمود و به این شیوه توانست تا حدود زیادی ذهنیت‌های منفی مشتریان اروپایی‌اش -که ناشی از عدم اعتمادسازی بود- را تغییر دهد. از سوی دیگر نیز افراد متمول‌هایی همچون «رومن آبراموویچ» با سرمایه‌گذاری‌های میلیون دلاری در آکادمی ملی فوتبال روسیه، نقشی پررنگ در توسعه و پیشرفت فوتبال این کشور ایفا کردند. به لطف این نگاه ویژه، امروزه ورزشگاه‌ها و کمپ‌های تمرینی بسیار مجهزی در این کشور سردسیر